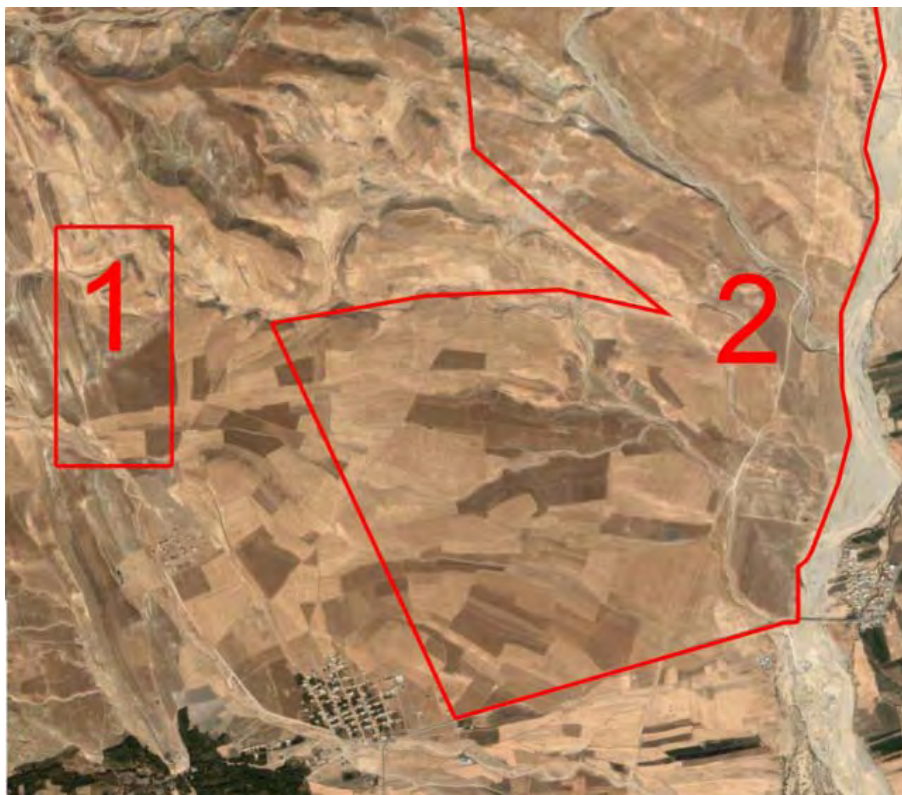




دارنگان و باغات و اراضی آن

ملک بزرگی است. نزدیک به نصف دیگر زمین‌ها در تصویر نیست. از جنوب و غرب ادامه دارد. محدوده‌اش بیست هزار هکتار است. از شهر شیراز بزرگ‌تر. منابع طبیعی می‌گوید فقط دو هزار هکتار است و آن وقت در یک پلاک فرعی ۶۸۰۰ هکتارش را به نام خود سند می‌گیرد. به این می‌گویند شعبده‌بازی. کاش پول این زمین‌ها به بیت‌المال می‌رفت. از خانواده‌های مالکین چند صدساله سلب مالکیت می‌کنند تا دلالان و نوکیسه‌گان و مدیران دولتی ببلعند. همان کاری که بهائی‌ها در دولت هویدا می‌کردند. دیروز هژبر یزدانی بود، امروز مسعودی و اقبالی.



- ۱- اراضی ملکی و قدیمی عبدالله شهبازی. منابع طبیعی می‌گویند این اراضی مرتع است! کارشناسان سرشناس مثل مهندس قائمی و مهندس مقرب می‌گویند قدمت و سبق کشت ده‌ها ساله دارد.
- ۲- اراضی ده‌ها خانوار خرده‌مالک که شرکت فارس مبین بخش عمده آن را تفکیک کرده و به سرعت می‌فروشد. زمانی که حق اثبات شود، زمین‌ها فروش رفته و پول‌ها و پولدارها به خارج انتقال یافته‌اند. مقصر واقعی اداره منابع طبیعی است که در مالکیت و حقوق مردم هرج و مرج ایجاد کرده.



نمونه‌ای از قنات‌های قدیمی در زمین من
مگر قنات دلیل سابقه احیاء و ملکیت نیست؟

اسمه تعالی
 اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان شیراز
 ۱۹۳۹۸
 ۸۳/۹/۵

باسلام در مورد پلاک ۷۲ اصلی از بخش منتهی ۲۴ فارس (در رستای دارغان از بلوک سیاح) به استحضاری رسانده:

در تاریخ ۴۹/۹/۴ کمیسیون ماده ۵۶ قانون حفاظت و بهره‌برداری جنگلها در تاریخ ۱۰/۵/۵۷ هجری از اراضی پلاک ۷۲ اصلی را بعنوان مستثنیات از مالکیت مملکتی قرار داد و سپس حدود ۶۰۰۰ هکتار زمین به عنوان ماده ۶۴ در اختیار مملکت قرار داد. در سال ۱۳۵۶ از این تاریخ ماده ۵۴ سرشد و این امر بر اثر احوال ایجاب قرار گرفت. سرانجام در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۴ دولت تعیین تکلیف اراضی مستثنی شده در موضوع اجرای ماده ۵۶ شهرستان شیراز به قرار ۱۰۵۶/۳/۱۰۵۶ هجری را به منظور مستثنیات و منابع را منابع منعی اعلام نمود و این برای مورد نامشده اداره منعی منابع طبیعی قرار گرفت.

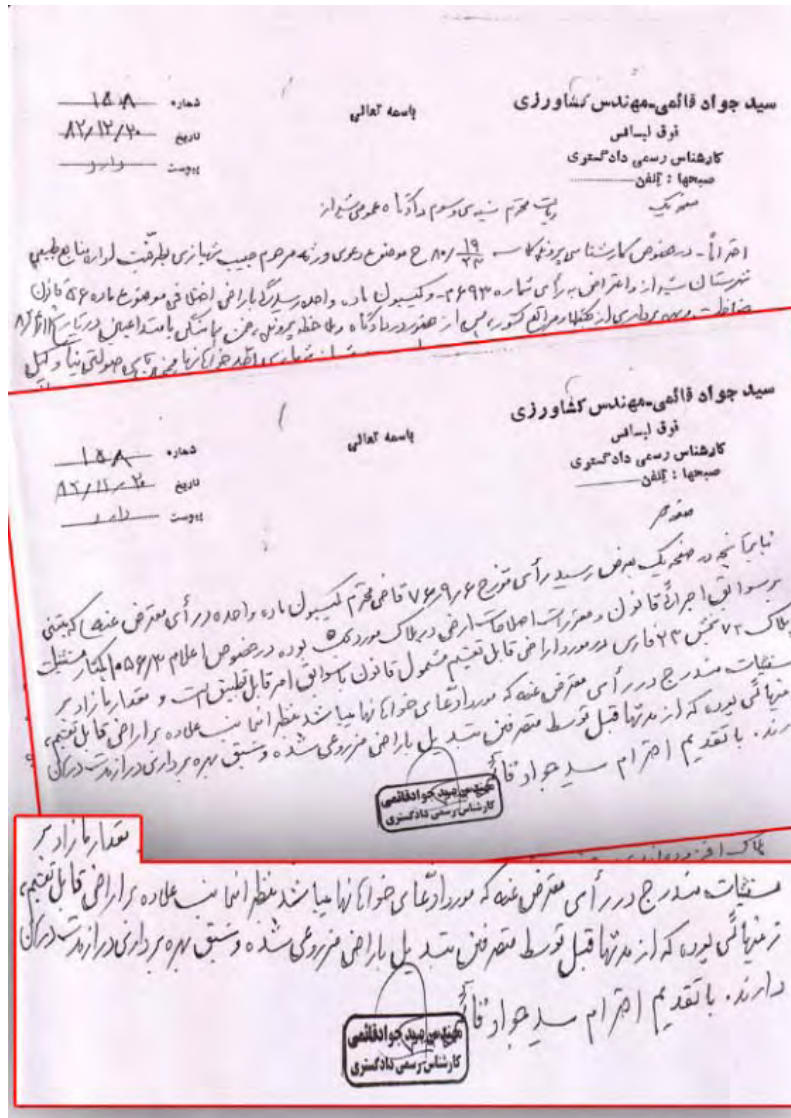
از آنجا که طبق مفاد اخیر شورای نگهبان در رای وحدت رویه دیوان عدالت اداری مندرج اراضی به رای کمیسیون ماده واحده برای مالک محفوظ است. مالکین نسبت به رای مندرج اعتراض داشته و شکایت ایجاب از اداره کل منابع طبیعی در زمینه اراضی مورد ادعای اداره کل منابع طبیعی در پلاک ۷۲ اصلی بخش ۲۴ به شماره ۲۳۱۹۸۰ در شعبه ۳۳ مجتمع قضایی تقدیر ارجحان است. علیرضا مستدعی است دستور زبانه اجرای ماده ۵۴ در دستور کار و آلداری به اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده پلاک ۷۲ اصلی (دارغان / دارنگون) تا تعیین تکلیف نهایی اراضی مورد تعارض جلوگیری شود.

ما تشکر و سپاس
 عبدالمهر شیرازی
 ۸ آذر ۵۷

رئیس
 دفتر ثبت اسناد و املاک
 ۸۳/۹/۵

۵ آذر ۱۳۸۳

اعلام به سازمان ثبت اسناد و املاک شیراز که به علت مطرح بودن شکایت من علیه اداره منابع طبیعی از واگذاری و اجرای ماده ۱۳ خودداری شود.



سید جواد قائمی، کارشناس رسمی دادگستری، در پرونده شکایت من علیه اداره منابع طبیعی (شعبه ۳۳ حقوقی، آقای حسینی):

اراضی مورد ادعای ورثه مرحوم شهبازی «از مدت‌ها قبل توسط متصرفین تبدیل به اراضی مزروعی شده و سبق بهره‌برداری درازمدت در آن دارند.»

یعنی این اراضی نمی‌تواند مرتع و منابع ملی باشد. فریبم دادند و نگذاشتند از دادگاه حکم بگیرم. سید کریم رضوی شد ریش سفید و کلاه سرم گذاشت.

نظریه مهندس مقرب کارشناس رسمی دادگستری: در پرونده شکایت اداره منابع طبیعی شیراز علیه من تحت عنوان «تخریب» (شعبه نهم بازپرسی، آقای اولیایی)

مهندس مقرب سال‌ها معاون اداره کل منابع طبیعی فارس بود و گرداننده واقعی آن. او نیز، چون مهندس قائمی، از مجرب‌ترین کارشناسان رسمی شیراز است. این همان پرونده‌ای است که شهاب حائری در نامه سه صفحه‌ای علیه من، اظهارات مرا علیه تخریب مراتع عشایر «دست پیش گرفتن» خواند تا «از طرح پرونده تصرف عدوانی جنابعالی در دادگاه صالحه جلوگیری نماید.» و آقای چنانه در بند ۲ جوابیه روابط عمومی سازمان جنگل‌ها و مراتع مدعی شد: «تا این مرحله نیز نظریه کارشناسی به نفع دولت اصدار و پرونده با جدیت تمام در حال پیگیری است.»

نظریه کارشناسی به نفع من است. این نظریه در ۱۵ تیر ۱۳۸۴ به شعبه نهم بازپرسی ارائه شد. کسانی که با حقوق آشنایی دارند می‌دانند که به دلیل سبق شکایت من علیه اداره منابع طبیعی، با توجه به این نظریه، باید بلافاصله بازپرس «قرار اناطه» صادر می‌کرد و پرونده را به شعبه ۲۲ دادگاه حقوقی عمومی می‌فرستاد. چنین نکردند. چهار سال پرونده را مسکوت گذاردند و من تصور کردم با توجه به توافق‌نامه فریبکارانه‌ای که در صفحات بعد درج می‌شود مختموم‌اش کرده‌اند. در سال ۱۳۸۶، زمانی که من علیه اقدامات «ماقیای زمین‌خوار شیراز» افشاگری کردم، از بایگانی بیرونش کشیدند و تبدیل شد به حربه شهاب حائری و مهرزاد خرد. بعد که دیدند من از این هیاهوها نمی‌ترسم باز مسکوتش گذاشتند. کدام تخریب؟ زمینی که سابقه کشت اقلا پنجاه ساله دارد و در نقشه سال ۱۳۱۱ ثبت اسناد به عنوان زمین زراعی علامت خورده، «تخریب» منابع طبیعی است؟

مهندس مقرب می‌نویسد: زمین‌های مورد ادعای اداره منابع طبیعی در دارنگان «دارای آثار زراعت و کشت دیم بوده و وضعیت ظاهری اراضی از نظر نوع بافت خاک و غیره با اراضی زراعتی و دیمکاری که به صورت مستثنیات قانونی می‌باشد تفاوت ندارد. و بنا به اظهارات خواننده پرونده محدوده فوق قسمتی از محدوده مورد نظر آنها است که به علت ملی اعلام نمودن توسط کمیسیون ماده واحده مورد اعتراض آنان قرار گرفته و پرونده امر در شعبه ۲۲ دادگاه عمومی حقوقی شیراز [شعبه ۳۳ سابق، آقای حسنی] تحت رسیدگی می‌باشد.»

ادامه گزارش مهندس مقرب: «با توجه به مراتب اعلام شده در سایر بندهای گزارش فوق و قرائن و شواهد موجود و وضعیت ظاهری و فیزیکی و بافت خاک و آثار کشت و غیره محدوده مورد دعوی از مدت‌ها قبل از انقلاب اسلامی توسط متصرفین تبدیل به اراضی مزروعی شده و دارای سابقه احیاء و بهره‌برداری درازمدت و قدیمی می‌باشد که در حال حاضر در تصرف خواننده است... ضمناً بر اساس سوابق موجود مالکیت هیچ یک از طرفین قطعی نمی‌باشد.» یعنی به دلیل شکایت حقوقی من علیه اداره منابع طبیعی مالکیت منابع طبیعی قطعی نیست و فقط ادعاست.

مهندس عباسعلی مقرب

کارشناس رسمی دادگستری

رکن هیات اجتنال و مرتع پربانه

بنام خدا

تاریخ ۱۵/۴/۸۴

شماره ۱۵/۴/۸۴

پیوست دراز

۲- وضعیت اراضی مورد دعوی و

مردود اراضی متنازع فیہ در ملک دارخواست تقدیر توسط اداره بنام علی بنیوان ۸۰/۶/۱۴۰۰ مساحت ۱۵۰۰ متر مربع با ترحیم لغت شده توسط خزانة پرونده (صحت ۲۰۰۶ ج ۶) مردود اراضی مردود دعوی اراضی شده در طبیعت توسط طرفین دعوی که همان مردود مردود نظر اداره بنام علی بنیوان ۱۵/۴/۸۴ مساحت ۱۵۰۰ متر مربع در حال حاضر مردود ۸۰ مساحت آن بعد از قطعات ۱۰۰۰ متر مربع منظر اهرات باغ شهر تفکیک و مردود ۲۴ مساحت آن چهارم برای اهرات بین قطعات و باقی سطح شامل دریاچه اهرات و دریاچه آن و اراضی اطراف دریاچه باشد.

فناخت در سند اراضی تفکیک شده ۱۵۰۰ متر مربع توسط خزانة پرونده در سال چهارم (۱۳۸۰) به جعفر کرده و کما شست درختان شتر و نیز شتر حبیبی و آبپاری بعد از بیستم قطره آب و با استقاره و پیمان در آب و دریاچه اهرات شده که مردود از حیث پیمان بلقور و حسن پیمان و غیره و تا این تاریخ مردود مردود است.

تقریباً اینک بنام تأمین آب مردود اراضی سابق در اراضی بلا که کما شست (مردود از زمین حیم سار برای شتر جعفر کرده در آب تکمیل بلقور و حسن پیمان و قبالت دام مردود در اراضی که از آب شتر مردود واقع در زمین ملک و ملک مجاور می باشد تا این تاریخ مردود در اسناد و مدارک اراضی شده قید مردود است و خزانة پرونده منظر تأمین آب قطعات باغ شتر برای اهرات شده و با استقاره از آب حیم پیمان بلقور و حسن پیمان (۱۳۸۰) اهرات دریاچه منضم در

قسمت از مردود ۱۵۰۰ مساحتی منزه که با چهار آب قطعات را تا این تاریخ

فناخت قسمت این از مردود اراضی که تا این تاریخ منظر باغ شتر تفکیک شده

و کما شست در زمین مردود و وضعیت اراضی از نظر نوع بافت خاک و غیره با اراضی دریاچه و دریاچه که بعد از شتریات مازن من می باشد تقارن ندارد.

و بنا بر این است خزانة پرونده مردود از مردود فرق قسمت از مردود نظر آن است که نسبت ملک (۱۵۰۰) منظر توسط کسب داده شده مردود اراضی آن ملک مرکز شتر و در زمین ۳۳ دادگاه عمر حقیق در اراضی و سند می باشد.

مهندس عباسعلی مقرب

بنام خدا

تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۸

کارشناس رسمی دادگستری

شماره ۱۵۶۸۴

کمیسیونکل و مرتع ارباب

پیوست ۱

۵- تقیم ثمری:

بر اساس آراء صادره از سوی کمیسیون محترم ماده واحده و نقش تفصیلی منابع ملی از جهات
 تازین اراد شده توسط نماینده محترم منابع طبیعی و تطبیق آن با طبیعت، محدود در اراضی
 متنازع فیله عبارت است از ۱۵۰ هکتار که بنا بر اظهارات خواننده پرونده جزو سهم مالکین بزرگ
 ۷۴ هکتار ۲۰۰ متر مربع در اراضی سابقه جزو اراضی ملی بزرگ است. فزون از آن میسر نبوده و کما
 به مراتب اعلام شده در سایر سند های مزبور فزون و تراش و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید
 و فزون و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید
 توسط متصرفین تبدیل به اراضی فزونی شده و در اراضی سابقه اراضی و تراشید و تراشید و تراشید
 می باشد که در حال حاضر در تصرف خواننده است. و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید

قطعات ۱۰۰ و ۱۵۰ متر مربع است. تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید
 است. تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید
 در هر حالتی تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید



به مراتب اعلام شده در سایر سند های مزبور فزون و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید
 و فزون و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید
 توسط متصرفین تبدیل به اراضی فزونی شده و در اراضی سابقه اراضی و تراشید و تراشید و تراشید
 می باشد که در حال حاضر در تصرف خواننده است. و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید و تراشید

توافق نامه‌ای که با ریش سفیدی سید کریم رضوی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی، میان من و ادارات منابع طبیعی و امور اراضی منعقد شد، در صفحه بعد است.

شفاهاً قول دادند، و من به احترام سیادت رضوی باور کردم، که در چند مرحله دو هزار و پانصد هکتار زمین به ورثه مرحوم شهبازی واگذار خواهند کرد و حقوقشان را اعاده خواهند نمود؛ مشروط بر این که ما از شکایت خود صرف نظر کنیم. گفتم کتب بنویسید. گفتند نمی توانیم مکتوب کنیم چون برخلاف قانون است. از جلسه خارج شدم و تلفنی با وکیلیم، آقای محسن آقازاده، مشورت کردم. گفت: اگر می خواهی امضا کنی حتماً قید کن «به اتفاق نماینده اداره منابع طبیعی به دادگستری مراجعه و نسبت به استرداد دعوی و محتومه نمودن پرونده های مربوطه اقدام نمایند.» در غیر این صورت حق شکایت مجدد نخواهی داشت. با اصرار من حسینی این را وارد توافق نامه کرد. کاتب او بود. کارشناس رسمی دادگستری است. ولی شیطنت کرد و پرونده بازپرسی شعبه ۹ علیه من را محتومه نکرد. سه سال در پستوی اداره منابع طبیعی پنهانش کرد. این هم از عجایب قوه قضاییه است که پرونده دعوی میان طرفین (مردم و اداره منابع طبیعی) به جای نهادی ثالث و بی طرف و امین در نزد طرف دعوی (اداره منابع طبیعی) نگهداری می شود. اگر من حق و حقوقی در اراضی دارنگان نداشتم، به چه دلیل این جلسه تشکیل شد و مقامات بلندپایه جهاد کشاورزی و منابع طبیعی و امور اراضی با من توافق نامه امضا کردند؟

شجاع حائری هم بود. امضایش را زیر توافق نامه گذاشت به عنوان شاهد. ولی الان که متن را می خوانم می بینم چیز دیگری است. صحبت از «متقاضیان» است. آن زمان دقت نکردم. به سطور چهارم و پنجم توجه کنید: «با حضور تعدادی از متقاضیان و اگذاری اراضی منابع ملی و از جمله آقای عبدالله شهبازی». یعنی، شجاع از اول با نقشه وارد معرکه شد؟ هدفش این بود که مرا ورشکست کند و به تهران بفرستد و بعد اراضی دارنگان را به صورت واگذاری بگیرد؟

در اسناد صفحات بعد، ظاهراً آقایان پیگیر انجام تعهد و قول اخلاقی شان هستند. در ۲۵ فروردین ۱۳۸۴ به همراه مهدی اسدی مهر، مسئول حقوقی منابع طبیعی شیراز، به شعبه ۲۲ دادگاه عمومی رفتیم و متفقاً دادخواست را مسترد کردیم. قرار شد در مرحله اول ۳۲۷ هکتار به من واگذار کنند. برای چه به یک نفر ۳۲۷ هکتار واگذاری می دهند؟ میزان واگذاری به افراد پنج و حداکثر ده هکتار است. این مرحله اول بود. قرار بود در چند مرحله دو هزار و پانصد هکتار به ورثه مرحوم شهبازی واگذار کنند. آیت الله حائری در جریان بود. در ۵ شهریور ۸۴ نامه ای به ایشان نوشتم که این توافق در آن صریحاً ذکر شده. او پی نوشت کرد به آقای رضائیان رئیس سازمان آب. یعنی در واقع تأیید کردند اظهارات مرا. این سند محکمی است بر صحت اظهارات من. اداره امور اراضی شیراز در نامه ۲۵ اردیبهشت ۸۴ به منابع طبیعی شیراز به بند یک همان صورتجلسه استناد کرد. این نیز سند محکم دیگری است. کار روال معمول واگذاری را طی کرد. نقشه برداری شد. مدتی مرا سرگرم کردند تا اواسط مرداد ماه. حسینی، رئیس منابع طبیعی شیراز، پنهانی و با عجله در حال اجرای ماده ۱۳ در پلاک دارنگان بود. من رضایت داده بودم و معترض نداشتم. پارتی بازی کرد. حتی مهندسین ثبت سر زمین نرفتند و در دفتر کارشان امضا کردند. می گویند سابقه نداشته به این سرعت سند صادر شود. وقتی کار تمام شد، ماده ۱۳ اجرا شد و سند تحت عنوان پلاک ۷ فرعی به نام دولت اخذ شد، بدون این که من مطلع باشم، همه چیز تغییر کرد.

کارشکنی شروع شد. شجاع حائری هم تغییر کرد. تا آن زمان شریک بودیم. منکر مالکیت من شد. باورم نمی‌شد. اول فکر کردم شوخی می‌کند. شجاع با آن‌ها هماهنگ بود. نمی‌دانستم پشت پرده چه می‌گذرد. در فرهنگ ما به این می‌گویند کلاه‌برداری. فکر نمی‌کنم کسی به خاطر «حقوق دولت» حاضر به فروختن دین و ایمان خود باشد. دولت چه نیازی دارد که با نیرنگ حق من و خانواده من و ده‌ها خانواده خرده‌مالک دارنگانی را بخورد؟



سید محمود حسینی، رئیس اداره منابع طبیعی شیراز، خیلی متدین است. از طایفه گاوباز مرو دشت است. خیلی حسن شهرت دارند. حاضر است هر کاری بکند تا حقوق دولت تأمین شود. پر کردن «جیب» بیت‌المال خیلی مهم است. مهم‌تر از حق الناس. الان خیلی خوشحال است. بالاخره موفق شد به کمک آقای رستاخیز، همان‌که پشت سرش ایستاده، در دارنگان طرح آبخیزداری پیاده کند. عکس‌های بعد را ببینید. این طرح آبخیزداری نمونه است. استان‌های دیگر یاد بگیرند.

« صورت جلسه »

پیرو بازدیدی که در مورخه ۸۳/۱۲/۲۰ توسط ریاست محترم سازمان جهاد کشاورزی استان فارس حاج آقا رضوی و همچنین آقایان مهندس منصوری معاونت فنی اداره کل منابع طبیعی استان فارس ، حاج کشاورز مدیر جهاد کشاورزی شهرستان شیراز ، مهندس بوستانی مدیر امور اراضی و مهندس حسینی رئیس اداره منابع طبیعی شیراز و با حضور تعدادی از متقاضیان واگذاری اراضی منابع ملی و از جمله آقای عبدالله شهبازی از اراضی پلاک ۷۲ بخش ۵ فارس مشهور به دارنگون پیرامون رسیدگی به تقاضای متقاضیان واگذاری اراضی منابع ملی پلاک فوق الذکر جلسه ای با حضور نامبردگان فوق منعقد که پس از بررسی موضوع و بحث و تبادل نظر تصمیمات ذیل اتخاذ گردید .

۱- مقرر گردید منابع طبیعی شیراز ضمن نقشه برداری میزان اراضی منابع ملی بلامعارض و قابل واگذاری را مشخص نماید .

۲- نقشه تهیه شده (نقشه اراضی بلامعارض و قابل واگذاری) تحویل مدیریت جهاد کشاورزی شیراز گردد و سپس از آن طریق استعلامات لازم در خصوص تأمین میزان آب قابل استحصال بعمل آید .

۳- مدیریت جهاد کشاورزی با اعزام آگویی از کارشناسان باغبانی به منطقه نسبت به استعدادیابی و قابلیت اراضی در خصوص احداث باغ اظهار نظر نمایند .

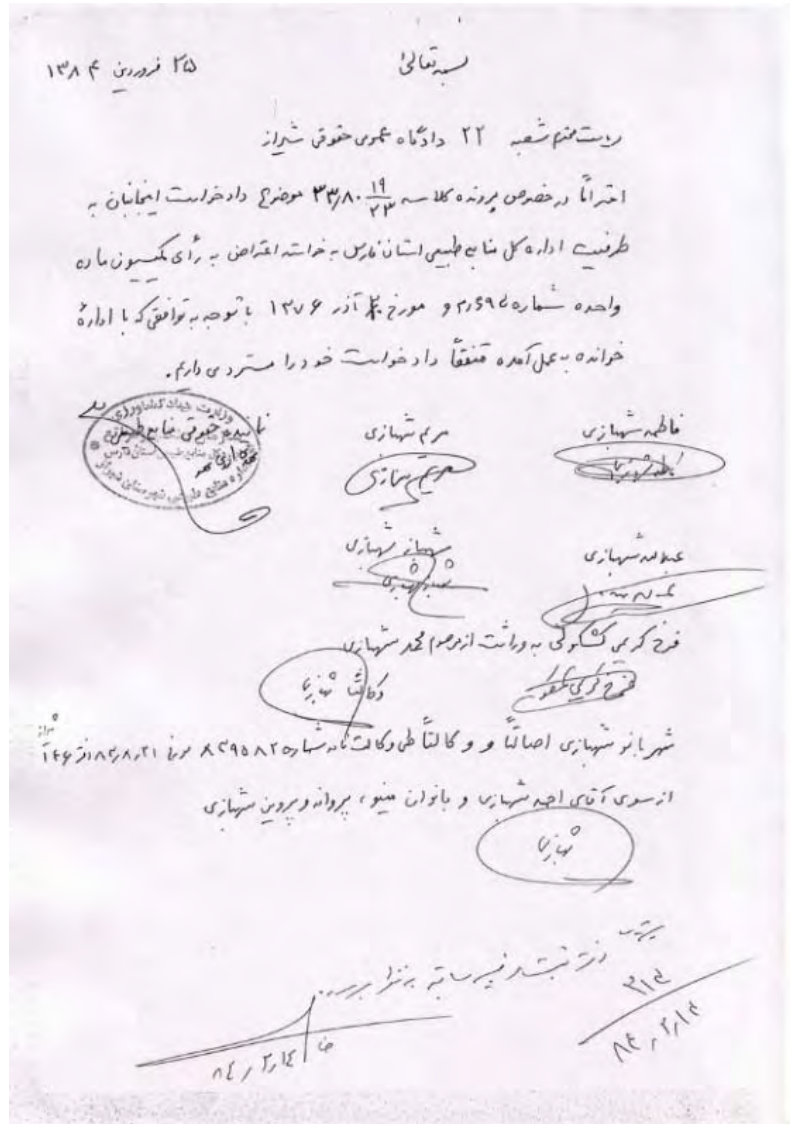
۴- حل و فصل کلیه معارضات اجتماعی و محلی بعهده متقاضیان واگذاری اراضی منابع ملی می باشد . جهاد کشاورزی و اداره منابع طبیعی در این خصوص هیچگونه تعهدی ندارد .

۵- متقاضیان واگذاری می بایستی کلیه دعاوی خود نسبت به اعلام ملی پلاک مورد بحث را که در مراجع قضائی لعم از بدوی و تجدید نظر مطرح نموده اند به اتفاق نماینده اداره منابع طبیعی به دادگستری مراجعه و نسبت به استرداد دعوی و مختومه نمودن پرونده های مطروحه اقدام نمایند .

۶- پس از مشخص شدن میزان آب قابل استحصال توسط مدیریت امور آب ، اداره منابع طبیعی می بایستی متناسب با میزان تأمین آب اراضی منابع ملی بلامعارض را در اختیار مدیریت جهاد کشاورزی قرار دهد تا برابر مقررات به متقاضیان واگذار گردد .

حاج آقا رضوی	رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان فارس
عبدالرضا منصوری	معاونت فنی اداره کل منابع طبیعی استان فارس
کرمپور	معاونت حفاظت
حاج آقا کشاورز	مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان شیراز
بوستانی	مدیریت امور اراضی
حسینی	رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز
عبدالله شهبازی	

توافق نامه من با مسئولان جهاد کشاورزی و منابع طبیعی و امور اراضی فارس
 پرونده بازپرسی شعبه ۹ را مختومه نکردند و نگه داشتند برای بعد از اجرای ماده ۱۳



من و خانواده ام عشایریم. زیر قولمان نمی زنیم. مثل بچه آدم رفتیم و رضایت دادیم تا ملک مان را بخورند. الان آقای رستاخیز دارد آنجا «طرح آبخیزداری» اجرا می کند. چه طرحی!



این هم نامه من به آیت‌الله حائری شیرازی. صراحتاً مضمون توافق را نوشته‌ام. ایشان هم با یادداشت خود به آقای رضایان، رئیس سازمان آب، در واقع تأیید کرده‌اند که چنین توافقی بوده. قول و قرارهای توافق با رضوی خیلی صریح و علنی بود. احقاق حق ما بود.

شماره
تاریخ
پیوست


جمهوری اسلامی ایران

وزارت جهاد کشاورزی
سازمان جهاد کشاورزی استان فارس
مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان شیراز

باسمه تعالی

اداره محترم منابع طبیعی شهرستان شیراز

سلام علیکم ،

احتراماً به پیوست تصویر نامه شماره ۸۴/۳۲۵ مورخ ۸۴/۲/۱۷ شرکت توسعه و سرمایه گذاری زاگرس سبز شیراز بانضمام تصویر صورتجلسه مورخ ۸۳/۱۲/۲۰ ارسال می گردد. لذا مقتضی است برابر بند ۱ صورتجلسه یاد شده نسبت به تهیه نقشه و تحویل اراضی بلامعارض و قابل واگذاری محدوده مورد نظر به این مدیریت اقدام لازم معمول فرمائید. ق/۲/۲۱ م

و من الله التوفیق
کشاورز
مدیر جهاد کشاورزی شهرستان شیراز

۳۷۲۸-۵
۲۲۵
رونوشت:

شرکت توسعه و سرمایه گذاری زاگرس سبز شیراز جهت اطلاع و پیگیری لازم

شیراز-خیابان انقلاب (نبش شمس)-مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان شیراز تلفن: ۸۳۰۷۰۲۷-۹

نامه جهاد کشاورزی شهرستان شیراز برای اجرای همان توافقنامه شروع بازی با من. در همین زمان حسینی، پنهان از من، به سرعت در حال اجرای ماده ۱۳ بود.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت جهاد کشاورزی
 سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور
 اداره کل منابع طبیعی استان فارس

بسمه تعالی

تاریخ: ۸۴/۳/۱۹
 شماره: ۱۱۰۴۹
 پیوست:

از: اداره کل منابع طبیعی استان فارس
 به: اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز ✓
موضوع: درخواست واگذاری اراضی در قالب طرح طوبی

باسلام
 بازگشت به نامه شماره ۲۷۲۶-۲۹/۲/۸۴ با خصوص درخواست مدیریت جهاد کشاورزی شیراز از اراضی منابع ملی پلاک ۷۲ بخش ۲۳ موسوم به دارنگون به اطلاع می رساند در صورتیکه اراضی مورد تقاضای و بلامعارض می باشد و مشکل آب نداشته باشد، اراضی نقشه برداری و برابر دستورالعمل شماره ۲۹۱۳۹-۸۳/۷/۱۲ اقدام و نتیجه را اعلام نمایند.^{۳/۹}

محمدرضا کریم پور
 معاون حفاظت و امور اراضی

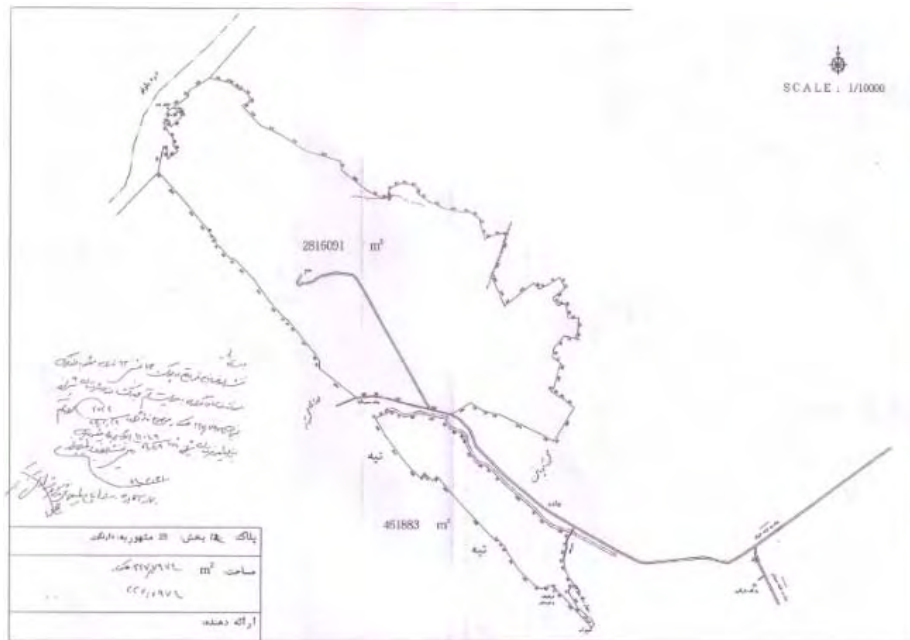
شماره ۷۴۸ تاریخ ۳/۳/۸۴

با کمال احترام
 دکتر
 رئیس هیئت مدیره
 پیمان ۱۰ سفت
 (شماره مازن کلانم عملی آهری)

تلفن: ۶۲۸۵۱۸۵-۹
[Http://fars.frw.org.ir](http://fars.frw.org.ir)
fars@frw.org.ir
 ۶۲۸۵۷۳۶

شیراز - فلکه ستارخان اول بلوار مطهری اداره کل منابع طبیعی استان فارس
 وب سایت:
 پست الکترونیک:
 تلفن گویا:

دومین مرحله واگذاری ۳۲۷ هکتار اول به من



سوّمین مرحله واگذاری ۳۲۷ هکتار به من: نقشه برداری توسط اداره منابع طبیعی
 موضوع نامه ۲۷۲۶ مورخ ۱۳۸۴ / ۲ / ۲۹
 رحیمی نقشه بردار سوار بر الاغ تمام این محدوده را با GPS دور زد. تکنولوژی هم نعمتی است.
 اگر قدیم بود با دوربین و سه پایه سه چهار روز کار می برد.
 این همان پروژه معروف زاگرس سبز است!

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران
وزارت جهاد کشاورزی
سازمان جنگلها و مراتع کشور
اداره کل منابع طبیعی استان فارس
اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز

تاریخ: ۱۳۸۴ / ۳ / ۳۱
شماره: ۳۷۴۸
پیوست:

از : اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز
به : اداره کل امور آب استان فارس
موضوع : تأمین آب اراضی مورد تقاضای مدیریت جهاد کشاورزی شیراز

با سلام ،

احتراماً به پیوست نامه شماره ۳۷۶۸-ی-۸۴/۲/۲۵ مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان شیراز و تصویر نقشه اراضی مورد ارائه به پیوست ارسال می گردد ، خواهشمند است چنانچه امکان استحصال و تأمین آب اراضی جهت میزان ۳۲۷/۷۹۷۴ هکتار واقع در پلاک ۷۲ بخش ۲۳ مشهور به دارنگون وجود دارد ، اعلام نظر فرمائید.

رئیس اداره منابع طبیعی شهرستان شیراز

رونوشت :

مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان شیراز عطف به نامه ۳۷۶۸-ی-۸۴/۲/۲۵ به پیوست تصویر نقشه اراضی مورد نظر .

آدرس: شیراز - ابتدای بلوار جمهوری کدپستی: ۷۱۴۴۹-۹۴۴۹۶ تلفن: ۲۲۹۴۷۱۱-۲۲۹۸۷۰۶

۳۱ خرداد است. هنوز اجرای مخفیانه ماده ۱۳ در دارنگون تمام نشده. حسینی نامه می زند به سازمان آب. اینجا می ماند. قرار می شود بازدید شود. آقایان طولش می دهند تا ماده ۱۳ در ۹ مرداد تمام شود. بعد نقشه متلاشی کردن شرکت زاگرس سبز و رد کردن من آغاز می شود. من بی خبر از همه جا. ولی، خدایی هم هست. خوب بهم ریختم همه شان را. یک جور عملیات انتحاری بود. نه؟ شدم همان «پرولتاریایی» که مارکس می گوید: «به جز زنجیرهایش چیزی برای از دست دادن ندارد.» نباید هیچ کس را به اینجا رسانید. عملیات انتحاری می کند.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت جهاد کشاورزی
سازمان جنگل، مراتع و آب‌خزرداری کشور
اداره کل منابع طبیعی استان فارس

بسمه تعالی
تاریخ: _____
شماره: _____
پیوست: _____

از: اداره کل منابع طبیعی و آب‌خزرداری فارس
به: مدیرکل محترم دفتر ممیزی اراضی
موضوع: بررسی شکوائیه
باسلام

عطف بنامه شماره ۸۶/۵۱/۱۶۵۶۵-۸۶/۳/۱۲ درخصوص شکوائیه آقای عبدالله شهپازی عینی برعدم رعایت حدود ثبتی دراجرای مقررات ماده ۵۶ و ماده واحده به استحضار می‌رساند:

پلاک ۲۲ بخش ۲۳ فارس مشهور به دارنگون بموجب برگ تشخیص مورخه ۴۷/۳/۱۸ باحدود اریمه شمالاً: رودخانه قره آقاج جنوباً: به کوه دنو غرباً: به تنگ شوره ویندکریه شرقاً: آرزاه دارنگان به سیاح اعلام ملی و سپس مندرجات آگهی به مالکین و وصی مرحوم حبیب شهپازی (پدر شاکلی) سرلشکر همت ابلاغ میگردد نامبرده درمورخه ۲۷/۷/۱۲ طی نامه ای اعتراض خود را تسلیم ودر متن همان اعتراضیه ضمن نالیه حدود ثبتی اعلامی درآگهی خواستار رسیدگی میگردد پرونده ترکمسیون ماده ۵۶ مطرح پس ازخذ استعلامات لازم ازادارات اصلاحات ارضی وقت وثبت شهرتار نهایتاً درمورخه ۴۹/۹/۹ رای کمسیون صادر و دقیقاً حدودی را که شاکلی قید کرده اند علاوه براین که دربرگ تشخیص قید شده قبلاً درصفحه اول رای ماده ۵۶ نیز بدان صریحاً اشاره گردیده که مبنای اجرای مقررات ازینو تاکنون رای کمسیون ماده واحده رعایت حدود ثبتی براساس صورت مجلس تجدیدنی مورخه ۱۳/۱۲/۱۳ بوده که نهایتاً منجر به اجرای ماده ۱۳ و صدور سند به ورقه مالکیت شماره ۴۲۰۳۳-۸۳/۵/۹ تحت پلاک ۲۲/۲۷ بنام سازمان منابع طبیعی شهرستان از دولت جمهوری اسلامی گردیده است لذا به منظور مشخص نمودن صحت و سقم موضوع ضمن هماهنگی با اداره منابع طبیعی شهرستان ودعوت از نماینده و نقشه بردار تاریخی تعیین ناهت معاینه محل و پیاده نمودن حدود پلاک موسوف، به استناد سوابق ثبتی ومدارک اجرایی موجود اقدام ونتیجه نهایی پس از بررسی ایقاد خواهد گردید/ ۴۹

۲۵۹۶۴
۸۹/۲/۱۱

رئیس دفتر
مدیرکل منابع طبیعی و آب‌خزرداری فارس

رونوشت:
اداره منابع طبیعی و آب‌خزرداری شهرستان شیراز پیوست تصویرنامه شماره ۸۶/۵۱/۱۶۵۶۵-۸۶/۳/۱۲ بانضمام تصویر مدارک ضمیمه جهت اطلاع و بررسی موضوع وتعیین وقت جهت معاینه محل ضمن دعوت از نماینده و نقشه بردار ثبت شهرستان وهماهنگی با این اداره کل
اداره ممیزی اراضی جهت اطلاع و پیگیری موضوع.

شیراز - فلکه ستارخان اول بلوار مطهری اداره کل منابع طبیعی استان فارس
تلفن: ۶۲۸۵۱۸۵-۹
Http://fars.frw.org.ir
fars@frw.org.ir
۶۲۸۵۲۴۶

وب سایت:
پست الکترونیک:
تلفن گویا:

من از طریق این نامه (مورخ ۱۱ تیر ۸۶) فهمیدم که در ۹ مرداد ۸۴ ماده ۱۳ را اجرا کرده‌اند. همه چیز مثل فیلم در ذهنم مرور شد. همه چیز روشن شد. بازی‌ها. به تأخیر انداختن بازدید ریاست سازمان آب از پروژه. حرف‌های کنایه‌آمیز شجاع حائری. بهانه‌گیری برای متلاشی کردن شرکت. قهر کردن و به خانه رفتن و بازنگشتن او. بردن چک‌های نقدی. تنها گذاشتن من در مقابل دستگاه‌دارهای طلبکار و رها کردن شرکت با ۳۰۰-۴۰۰ میلیون تومان بدهی. یادداشت‌های روزانه‌ام را مرور کردم. دیدم، بله. درست است. از زمانی که ماده ۱۳ اجرا شد، رفتار شجاع عوض شد. یعنی او کاملاً در جریان ماقع بود.



۱۸ مهر ۸۴ است. ماده ۱۳ اجرا شده و من خبر ندارم. می‌شنوم آقای به‌نام رستاخیز، که دلال زمین و منابع طبیعی و امور اراضی است، از عده‌ای متصرفین غیرقانونی پول گرفته و برای تملک اراضی ما طرح آبخیزداری ارائه داده و در این پوشش کار را پیش می‌برد. نامه می‌نویسم به علی حسین کشاورز، رئیس جهاد کشاورزی شیراز، که این کار یعنی چه؟ این زمین ماست که قرار بود در چند مرحله واگذار کنید. تجاها می‌کند. می‌نویسد: «واحد آبخیزداری موضوع چیست؟ به مدیریت اطلاع دهید.» کشاورز مطلع است. با حسینی دوست قدیمی و کاملاً هماهنگ‌اند. می‌خواهد من نفهمم.



اول دی ۱۳۸۵

شکایت به دفتر کل ممیزی اراضی سازمان جنگل‌ها و مراتع درباره تخلف و تقلب در حدود ثبتی پلاک دارنگان توسط اداره منابع طبیعی شیراز. ظاهراً همه چیز تمام شده بود. ۶۸۰۰ هکتار تحت عنوان پلاک ۷۲ / ۷ ثبت شده بود به نام اداره منابع طبیعی. ولی من قانوناً حق اعتراض دارم. به‌علاوه، یک برگ برنده داشتم که نمی‌دانستند. عدم انطباق نقشه منابع طبیعی با نقشه ثبتی و دستکاری در حدود غربی و جنوبی پلاک ۷۲. این یعنی بهم ریختن همه چیز. هم رأی ماده ۵۶ را باطل می‌کند، هم رأی ماده واحده را، هم ماده ۱۳ را، و هم سند و پلاک فرعی ۷ آقای حسینی را.

پلاک ثبتی ۷۲ بخش ۲۳ فارس (دارنجان / معروف به دارنگان) در سال ۱۳۱۴ به ثبت رسیده و آگهی ثبتی آن در خرداد و تیر ۱۳۱۴ منتشر شده است. تحدید حدود ثبتی در ۲۳ مهر ۱۳۱۳ انجام گرفته و حدود و ثغور پلاک مذکور بر اساس میله کوبی و به مترای دقیقاً مشخص شده است. نقشه ثبتی نیز در همان زمان بر اساس تحدید حدود ثبتی تهیه شده که در پرونده ثبت موجود است. در این اسناد، که مبنای مالکیت در پلاک فوق بوده، حدود غربی پلاک مذکور به تلال بید کرپه و تنگ شور و گردنه گلستانه و راه کوهمره کراچ و از جانب شمال به آبریز کوه دلو و تنگ نر به صراحت معین شده است. (تصویر به پیوست تقدیم می‌گردد.)

ثغور ثبتی فوق مورد تأیید اداره منابع طبیعی شیراز بوده و از جمله در پروانه‌های چرا، که صادر می‌شد، به صراحت حدود غربی و جنوبی پلاک فوق همان حدود مندرج در محدوده تحدید حدود و نقشه ثبتی درج می‌شد. (تصویر پروانه چرای اینجانب به پیوست است.)

به‌رغم روشن بودن حدود پلاک ثبتی فوق و به‌رغم مشخص بودن محل میله کوبی حدود اربعه و میزان آن، متأسفانه در اجرای ماده ۵۶ قانون ملی شدن جنگل‌ها و مراتع برخلاف کلیه بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های آن سازمان محترم، حدود تحدید حدود و نقشه ثبتی به کلی نادیده گرفته شده و در حدود غربی و جنوبی پلاک فوق‌الذکر تخلفاتی صورت گرفته است.

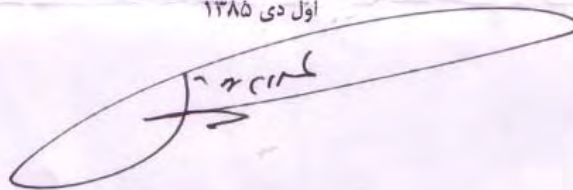
بدین معنا، که در نقشه اداره منابع طبیعی به غلط تپه‌های آب‌بند به عنوان تلال بید کرپه (حد غربی ثبتی پلاک) قلمداد شده و به این ترتیب محل فوق به عنوان انتهای حد غربی پلاک ۷۲ تعیین شده است. در محدوده جنوبی نیز، برخلاف تحدید حدود و نقشه ثبتی، آبریز کوه دلو و تنگ نر نادیده گرفته شده و حد جنوبی پلاک ۷۲ بسیار کمتر از میزان محدوده ثبتی شده است. اداره منابع طبیعی از این طریق حدود ۲۵۰۰ هکتار از اراضی حد غربی پلاک

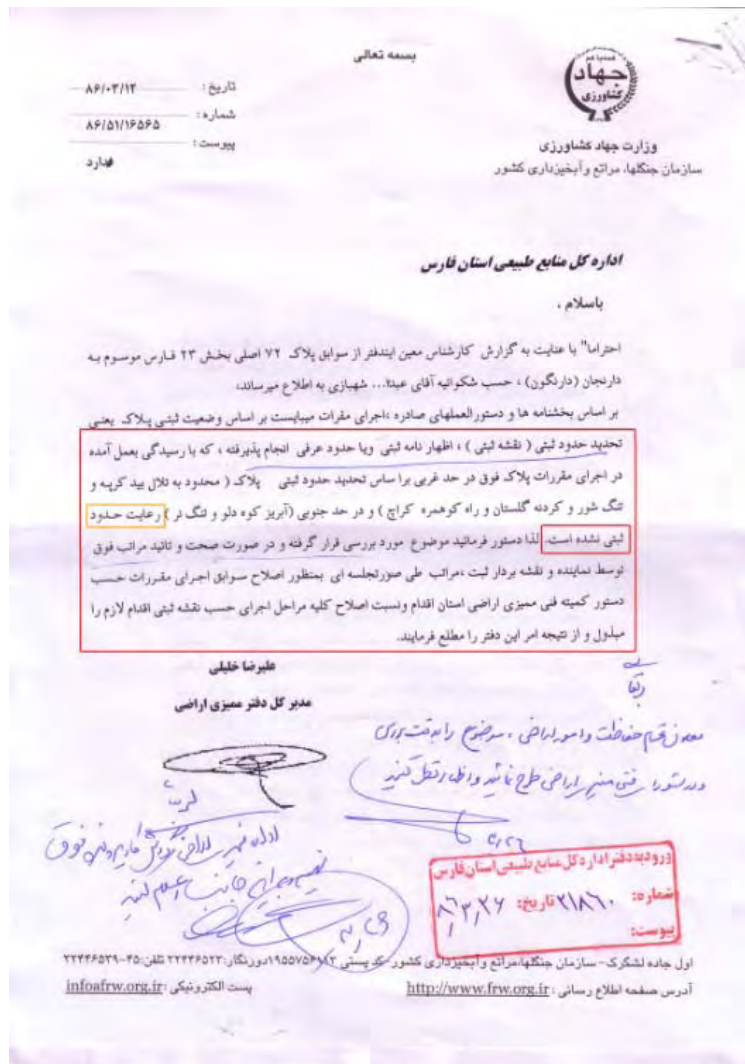
۷۲ را به‌طور غیرقانونی از محدوده ثبتی منتزع کرده و به آن نام جعلی «پلاک آب‌بند» را داده است. (مضحک اینجاست که آب‌بند جای دیگر است و منطقه فوق «آینه قری» نام دارد. در این محدوده هنوز سند ثبتی به‌نام دولت صادر نشده است.) و از سوی دیگر بخش مهمی از محدوده جنوبی ثبتی پلاک ۷۲ را در قالب پلاک من درآوردی جدیدی به‌نام پلاک دلو به‌نام دولت ثبت و سند صادر کرده است. در محدوده جنوبی حدود ۵۰+ هکتار از اراضی مالکی پلاک ۷۲ وارد محدود پلاک جدید دلو شده است.

علیهذا، با توجه به تخلفات بین فوق‌الذکر، اینجانب نسبت به عملکرد اداره کل منابع طبیعی فارس در پلاک ۷۲ معترض بوده و با توجه به ضایع شدن فاحش حقوق اینجانب و سایر خرده‌مالکین دارنگان و از جمله سایر وراث شهید حبیب‌الله شهبازی تقاضای ابطال رأی کمیسیون ماده ۵۶ و عملیات جدید در پلاک فوق بر مبنای حدود ثبتی آن را دارم.

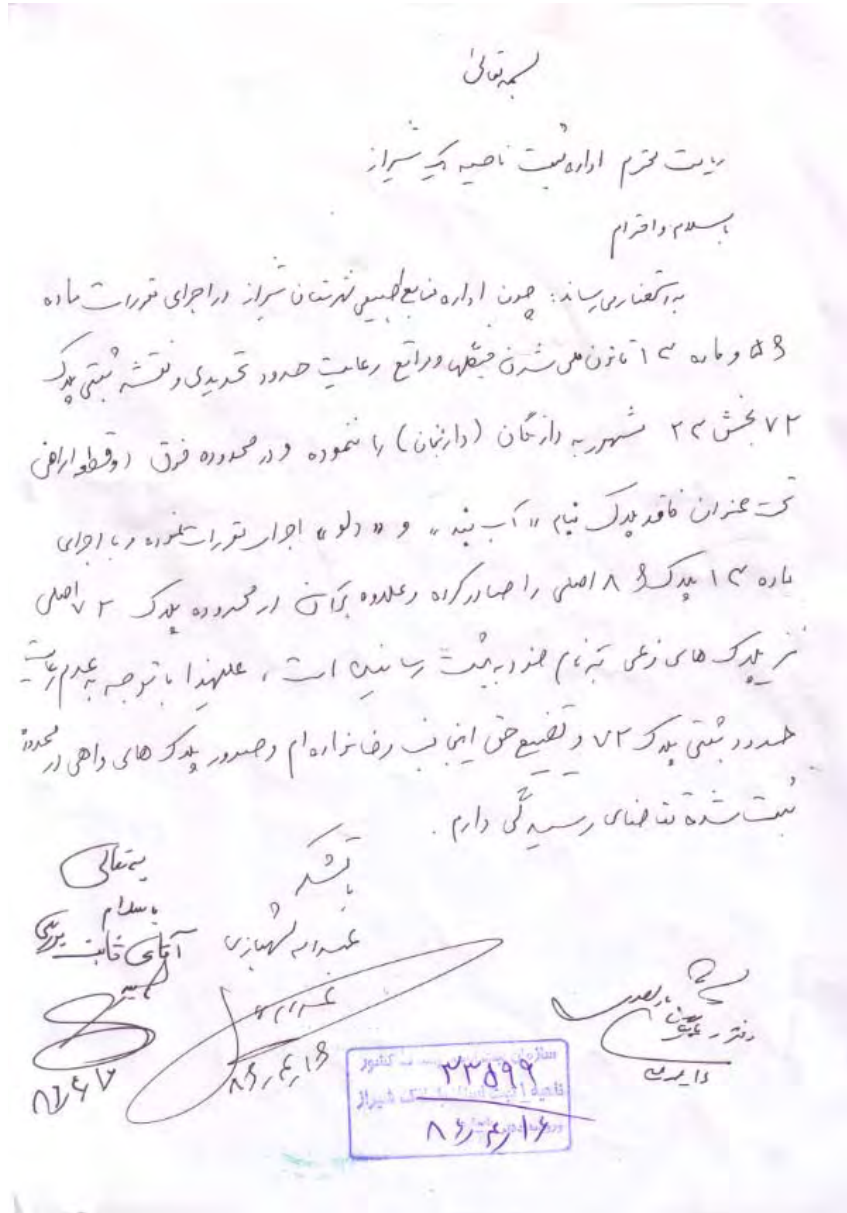
عبدالله شهبازی

اول دی ۱۳۸۵





دستور مدیر کل ممیزی سازمان به اداره کل فارس برای «اصلاح کلیه مراحل اجرایی» به دلیل عدم رعایت حدود ثبتی. بعد از این نامه دو کارشناس ممیزی فارس (اسدی مهر و بردبار) آمدند و صحت ادعای مرا تأیید کردند. مرز غربی دارنگان چهار و نیم کیلومتر تفاوت داشت با تحدید حدود ثبتی. مرز جنوبی هم این طور بود. ولی دستور داده بودند که خرد بی‌اعتنایی کند. مثل آدم‌های ساده اول رفتم و خبر خوش این نامه را به کسانی دادم که نباید می‌دادم. به خرد گفتند جواب نده، حمایت می‌کنیم. خرد با این ریسمان رفت ته چاه!



۱۶ تیر ۱۳۸۶

تقاضا از اداره ثبت شیراز برای رسیدگی به مسئله.
 چون خرد نمی خواست دستور تهران را اجرا کند، خودم اقدام کردم.
 هنوز هم مصرانه پیگیرم. مگر می شود به این سادگی مال مردم را خورد.



۲۱ مرداد ۱۳۸۶

نامه دفتر فنی ممیزی اراضی به خرد، مدیر کل فارس می‌پرسند: نتیجه کار چه شد؟

بسمه تعالی

سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور
مدیرکل محترم دفتر ممیزی اراضی

با سلام و تحیات

پیرو شکوائیه اینجانب و بذل توجه آن مقام محترم که طی نامه‌های شماره
۱۶۵۶۵/۵۱/۸۶ مورخ ۱۳/۳/۱۳۸۶ و ۳۱۹۶۶/۵۱/۸۶ مورخ ۲۱/۵/۱۳۸۶
به عنوان اداره کل منابع طبیعی استان فارس اعلام گردیده، به استحضار
عالی می‌رساند:

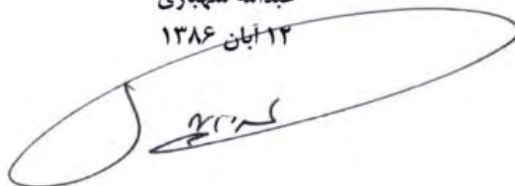
در پی مکاتبات آن دفتر محترم، که حدود ۵ ماه از آن می‌گذرد، هیئت
کارشناسی اعزامی از طرف مدیرکل محترم استان فارس در تاریخ ۱۸ شهریور
۱۳۸۶ از محدوده ثبتی مورد شکایت (دارنجان/ دارنگون، پلاک ۷۲، بخش ثبتی
۲۳ فارس) بازدید کردند. معهذا، متأسفانه تاکنون اقدام مؤثری انجام نگرفته و
پاسخی به اینجانب داده نشده است.

علیهذا، مستدعی است نسبت به تسریع در رسیدگی به شکوائیه اینجانب
بالاخص دستور آن مدیریت محترم دال بر بررسی حدود تحدیدی پلاک طبق
پرونده و نقشه ثبتی توسط کارشناسان و نمایندگان اداره محترم ثبت اسناد
شهرستان شیراز اقدام فرمایند.

با تشکر

عبدالله شهبازی

۱۲ آبان ۱۳۸۶



۱۲ آبان ۱۳۸۶

شکایت من به تهران

بعد از پنج ماه خرد نمی‌خواهد جواب بدهد
از خرد کدام شبکه قدرت حمایت می‌کرد؟

۸۶/۹/۱۷ - ۸۶/۵۱/۶۲۶۲۹
ندارد

از: دفتر ممیزی اراضی
به: اداره کل منابع طبیعی استان فارس
موضوع: شکوائیه

سلام علیکم،

احتراماً به پیوست شکوائیه مورخ ۸۶/۹/۱۷ آقای عبدالله شهبازی ارسال
خواهشمند است دستور فرمائید سریعاً به شکوائیه نامبرده رسیدگی و ضمن دادن
پاسخ به شاکای نتیجه را به دفتر سریعاً اعلام فرمایند.

دفتر فنی ممیزی اراضی



نامه مجدد دفتر فنی ممیزی اراضی

پس چه شد؟

نمی‌دانند فارس مستقل است، قانون دارد، سازمان جنگل‌ها و مراتع دارد. بی‌در و پیکر نیست!



پس از امضای قرارداد با شرکت فارس مبین
۱۰ اسفند ۱۳۸۲

از راست به چپ: سرهنگ سید حسن زندوی رئیس بنیاد تعاون بسیج فارس، سرهنگ علی یوسفی (علی رحم سابق) مدیرعامل شرکت فارس مبین، همت الله اسفندیاری پسر حاج هدایت الله کدخدای پدرم (حالا شده پیمانکار فارس مبین و احرار)، احمد شهبازی برادرم، عبدالله شهبازی، شهباز شهبازی. من و احمد با سادگی می خندیم و خوشحالیم.
شهباز مثل همیشه در فکر است که زیر کاسه چه نیم کاسه‌ای است!
همت می داند چه خبر است. شیطنت از چهره‌اش می بارد. نقشه از قبل با دقت طراحی شده بود.
آن دو جناب سرهنگ هم از پیشانی‌شان نور می بارد!



مراسم افتتاح فارس مبین با حضور مادرم. عکس را من گرفتم.
در زمین های او شروع می شود. هیچ پولی به او ندادند. همه را خوردند.
حاج فلک‌ناز بزرگ‌تری هم هست. ۱۶ هکتار زمین سنددار او و شرکایش را مؤسسه فلاحت خورده.
همه همدردیم.



ادامه همان مراسم

خانمی که کنار مادرم ایستاده خواهرم است. دکتر شهربانو شهبازی دانشیار دانشگاه علوم پزشکی شیراز و عضو شورای نظام پزشکی استان. پشت سر او حاج علی پناه نامورچی است. راننده پدرم و دوستدار ما. بعدی شهباز است. قربان (برادر زن عنایت‌الله اسفندیاری و دایی علی اسفندیاری) - وکیل دعاوی و حاج فلک‌ناز بزرگری.